

دستورات کند، فرد می تواند در صورت مغایرت شکایت کند ولی نمی تواند از دستورات اطاعت نکند، در هر صورت باید از دستور مقامات مافوق اطاعت کرد.

توسل به زور به عنوان آخرین راه حل به کار می رود. اما باید قانونی و در شرایط تأمین نظم عمومی باشد. نوع مختصه افراد در مسئولیت های مدنی، کیفری و اداری، مسئولیت آور است. عمل و ارتکاب عمل خارج از وظایف قانونی مقامات اداری، مسئولیت آور است.

* اگر در کشوره شرایط اضطراری وجود داشته باشد، مقامات اداری برای تأمین نظم عمومی، می توانند اعمال انجام دهند که در شرایط عادی امکان انجامش نیست. یکی از شرایط اضطراری، شرایط اضطراری است. این شرایط force major نامیده می شود. قانون اساسی ایران، به بررسی حکومت نظامی را ممنوع کرده مگر در شرایط خاص به مدت یک ماه. البته شرایط اضطراری هم باید متکی به قوانین و مقررات باشد.

حقوق اداری؛ کلیات و ایران | دکتر محمدحاجی | جلسه هفتم | ۸/۸/۹۳

خدمات عمومی: حاصل تغییر نگاه به وظیفه و کارکرد دولت است. دولت کلاسیک صرفاً وظیفه تأمین امنیت و نظم را عهده دار است (بلیس اداری). اما در مفهوم جدید دولت، علاوه بر وظیفه بلیس اداری، تأمین رفاه جامعه را نیز بر عهده دارد. دانش و تخصص این خدمات می تواند بسیار متنوع باشد.

در بلیس اداری با امر و نهی روبه رو هستیم اما در خدمات عمومی با کارکردی که دولت تشخیص می دهد، مواجهیم. خدمات عمومی از پایه های اساسی حقوق اداری است.

گسترده خدمات عمومی آن قدر زیاد است که گاهی بعضی حقوق اداری را معادل و یکسان با خدمات عمومی می دانند. البته این درست نیست و بلیس اداری، خدمات عمومی محسوب نمی شود.

تعریف: خدمات عمومی به آن دسته فعالیت های اطلاق می شود که اولاً رفع نیاز می کند و ثانیاً به نفع عموم جامعه است.

خدمات عمومی دو عنصر مهم را در بر می گیرد:

۱. فعالیت اجتماعی است که جزء نیازهای عمومی به شمار می آید و در نتیجه منافع عمومی در آن دیده می شود. نفع عمومی از این نظر برای حاکم بر جامعه حاصل می شود. (عنصر معنوی)

۲. فعالیت اجتماعی برای این که خدمات عمومی محسوب شود، باید در دست اداره قرار داشته باشد. (عنصر مادی) اگر دولت در امری دخالت نکند، نمی توان آن امر را خدمات عمومی به حساب آورد. هر فعالیتی که از طرف دولت تنظیم، تأمین و کنترل شود، امر عمومی محسوب می شود.

* امور عمومی ثابت نیستند و می توانند دچار دگرگونی شوند. مثلاً آموزش و پرورش در گذشته امری خصوصی بود اما

الکون در اختیار دولت و امری عمومی است.

* خدمات عمومی ذاتاً عمومی نیستند، چرا که می‌توانند به مرور زمان تغییر کنند و به امری خصوصی تبدیل شوند.
قصد قانون گذار ~~که~~ شاخص مهمی در تعیین خدمات عمومی است، اگر به قصد قانون گذار، امری در چهارچوب اداره قرار بگیرد، امری عمومی است.

ایجاد خدمات عمومی: طبق قانون، مجلس شورای اسلامی صلاحیت ایجاد خدمات عمومی را دارد، چرا که آزادی فردی را محدود می‌کند و آن را در اختیار اداره قرار می‌دهد.

گاهی ایجاد خدمات عمومی با انحصار همراه است.

هم چنین ایجاد خدمات عمومی، مستلزم هزینه است.

ایجاد حرام عمومی مستلزم تأیید قانون است.

حذف خدمات عمومی: ~~حذف~~ ^{حذف} در صلاحیت مقام است که آن را ایجاد کرده است.

ساماندهی خدمات عمومی: خدمات عمومی برای اجرا نیازمند سازمان و اداره است. در کشور ما تنظیم سازمان داخلی به پاره قوه مجریه است. وظیفه تدوین آیین نامه‌های اجرایی بر عهده قوه مجریه است. تنظیم آیین نامه نباید مخالف قانون باشد.

اصول حقوقی ناظر بر خدمات عمومی:

حقوق ادارتی، تابع حقوق عمومی است که قواعد کلی بنده و آمرانه دارد (قدرت داد یک طرفه است) مصالح ادارتی اجابت می‌کند چنین قواعدی را.

در حقوق عمومی با استعانت سروکار داریم. در حقوق خصوصی قواعدی است که در حقوق عمومی نیست.

خدمات عمومی از چند اصل مهم تبعیت می‌کند:

۱) اصل انطباق: مبتنی بر این ادیده است که زندگی اجتماعی همواره در حال تحول است و منافع عمومی اجابت می‌کند، اداره خود را با نیاز جامعه تطبیق دهد.

۲) اصل استمرار: چون خدمات عمومی مبتنی بر جامعه است، پس باید سازمان این خدمات عمومی ارائه می‌دهند، به صورت مستمر به فعالیت بپردازند. خدمات عمومی تعطیل بردار نیست.

۳) اصل تساوی: خدمات عمومی متعلق به عموم جامعه است؛ لذا تمام جامعه حق برخورداری از خدمات عمومی را دارند. دولت حق محروم کردن عده‌ای از جامعه را از خدمات عمومی ندارد مگر با اجازه قانون.

۴) اصل تقدم امور عمومی: به دلیل این که امور عمومی متعلق به عطفان است و وقوع آن عاید همه می‌شود، قانون گذار برای حقیقتاً منافع عمومی در برابر منافع خصوصی، حق تقدم قائل شده است.

حقوق ادارتی؛ کلیات و ایران | دکتر محمدخانی | جلسه هشتم | ۳، ۹، ۹۳

مؤسسات عمومی ← اشخاص حقوقی عمومی هستند. به دلیل ماهیت وظایفی که دارند، باید شخصیت حقوقی داشته باشند.

متعلق داشته باشند. مثال: دانشگاه‌ها

نحوه شکل‌گیری مؤسسات عمومی، مطابق قانون است.

باید به شکر حقوق اداری و گستره رسیدن خدمات عمومی، مؤسسات عمومی هم گسترش یافته‌اند.

بخش شاخصی اصلی مؤسسات عمومی، در شخصیت حقوقی مستقل از به وجود آوردن آن مؤسسه است و هدف از تأسیس این مؤسسات، ارائه خدمات عمومی است.

مؤسسات عمومی دارای اموال، کارکنان و بودجه مستقل هستند.

مؤسسات عمومی باید پاسخگویی خسارات ناشی از اعمال خود باشد.

استقلال مؤسسات عمومی مطلق نیست، بلکه نظارت اداره تأسیس‌کننده وجود دارد. مثلاً رئیس دانشگاه در قبال انتصابات خود، پاسخگویی وزیر علوم باید باشد.

به دنبال کسب سود هستند. مثل بانک‌ها، بیمه‌ها، ...

به دنبال کسب سود نیستند ← مؤسسات عام المنفعه.

اداره مؤسسات عمومی (از لحاظ هدف)

لذا اگر پول هم دریافت می‌کنند، برای کسب سود نیست؛ برای اداره امور جاری خود است.

از لحاظ قانون استخدام کشوری ۲ دسته مؤسسات عمومی داریم:

- از قانون استخدام کشوری پیروی می‌کنند.
- نمی‌کنند.

* امروزه، نظام مؤسسات عمومی، کارکرد دیگری هم پیدا کرده است. دولت برای انجام دادن بهتر فعالیت‌های تجاری و صنعتی خود، از مؤسسات عمومی بهره‌مند می‌گردد. دولت نمی‌تواند از بودجه‌ی خود بگذرد. اما مؤسسات عمومی بودجه‌ی مستقل دارند.

* در کشورهای صنعتی، به علت بحران‌های پس از جنگ جهانی دوم، مؤسسات عمومی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. از دیدگاه لیبرال، دولت باید جایگاه حاکم را در امور اقتصادی داشته باشد. در آمریکا ساختن سلیات در اختیار دولت نیست بلکه در دست شرکت‌های نظامی قرار دارد. اما صادرات سلیات در دست دولت است.

تفاوت میان مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی: از لحاظ نوع فعالیت، بسیار شبیه هم هستند. اما از لحاظ حقوق اداری متفاوت‌اند.

اداره مؤسسات خصوصی در نهایت در دست افراد و اشخاص خصوصی است.

مؤسسات خصوصی تابع حقوق خصوصی قرار می‌گیرند ولی مؤسسات عمومی تابع حقوق عمومی قرار می‌گیرند.

نظام حاکم بر مؤسسات خصوصی متفاوت از نظام حاکم بر مؤسسات عمومی است.

تأثیر اصلی در مؤسسات عمومی و خصوصی، قانون تأسیس‌کننده‌ی آن‌هاست. باید قصد و هدف قانون‌گذار را در ایجاد مؤسسات دانست.

شخصیت حقوقی اداره :

* حقوق و تکالیف همواره ملازم یکدیگرند. شخص حقوقی حقوق عمومی، مشابه مقامات حقوق اداری را تشکیل می دهند.

شخص حقوقی جمع از اشخاص حقیقی است که وقت تشکیل می شود، ماهیتی متفاوت از اشخاص حقیقی خود دارد. گوی از آثار تشکیل شخص حقوقی، هویت و ماهیت جدید آن است.

داشتن شخصیت حقوقی، اداره را در مقابل قانون متعهد می کند.

مؤسسات عمومی اگر چه در نظارت دولت قرار دارند اما در ساختار مستقل از دولت اند. این مؤسسات ابراری است در اختیار دولت.

حقوق اداری؛ کلیات و ایران | دکتر محمدحاجی | جلسه دهم | ۹۳/۹/۱۷

په تاسدت ل مبانی حقوق اداری، حقوق طبیعی بود. در قرن ۱۹ با گسترش تئوری پوزیتیویسم، مبانی شکل گیری قواعد حقوق اداری را

اراده « قرار دادند. در دهه ۶۰ در فرانسه منشأ تعیین اس

در قرن ۲۰ تئوری مارکس مبانی جدیدی برای حقوق اداری معرفی کرد. روابط تولیدی اساس هر چیزی است.

مبانی شخصیت حقوقی :

افراد تشکیل دهنده

۱. شخص حقوقی یک موجودیت جدا از خود دارد. (نظریه حقیقی) هویت مستقل دارد. اراده نفس همی در ایجاد شخص حقوقی

در این دیدگاه دارد. نظام حاکم بر شخصیت حقوقی نیز علاوه بر اراده نفس است.

۲. شخصیت حقوقی را یک امر بی اراده دانند که دولت هر موقع بخواهد آن را تعیین می کند و هر موقع بخواهد از بین می برد. وجود حق و تکالیف باعث ایجاد شخص حقوقی می شود. مثال: وقتیک وزارتخانه ایجاد می شود، چند فرد با یکدیگر جمع شده اند که آن را ایجاد کرده باشند.

۳. اعتباری بودن اشخاص حقوقی : اشخاص حقوقی در اثر یک سریه حقایق اجتماعی و حقوقی وجود می یابند. این اشخاص برای بر آوردن یک نیاز به وجود می آیند. شخص حقوقی، موجودیتش بنا بر اعتباری است که قانون به آن می دهد. این نظریه با واقعیت امر اجتماعی بیسار موافق است. نظریه بین نظر اول و دوم است.

به ظاهر نظری سوم با نظری دوم یک است؛ اما دو جنبه جدا از هم هستند.

با این نگاه، در شخصیت حقوقی (حقوق عمومی / حقوق خصوصی) از هم متمایز می شود.

در تری ها اشخاص حقوقی حقوق خصوصی :

۱) تابع قواعد حقوق خصوصی قرار می گیرند.

۲) نمی توان شخص حقیقی را بدون سلب اراده وی در اشخاص حقوقی حقوق خصوصی عضو نمود.

این دو طبقه تابع حقوق تجارت قرار می‌گیرند.

و برخی‌ها **اشخاص حقوق عمومی** :

- ۱) منحصر از اشخاص حقوقی شکل می‌گیرند. یعنی هیچ شخص حقیقی آن وجود ندارد که جزو اشخاص حقوقی عمومی قرار بگیرد.
- * ۲) ذاتاً از حاکمیت قانون حقوق عمومی برخوردارند.

مهم‌ترین اشخاص حقوق عمومی:

- ۱) دولت: نظر حاکمیت است و دولت است که به سایر اشخاص حقوقی عمومی اعتبار می‌دهد. بزرگ‌ترین شخصیت اداری در حقوق عمومی است.
- ۲) شوراهای اسلامی کشوری: شوراها دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند. مثلاً شورا عالی استان‌ها حق دادن لایحه به مجلس را دارد.

۳) مؤسسات عمومی: شخصیت حقوقی مستقل در امور اداری و مالی خود دارند. ایجاد و انحلال مؤسسات عمومی با موافقت و تصویب قانون امکان‌پذیر است. دولت نمی‌تواند مؤسسات عمومی را خود ایجاد کند. تنها مرجع صلاحیت دار برای ایجاد و انحلال مؤسسات عمومی، مجلس شورای اسلامی است.

معیارها و قواعد مشترک بین اشخاص حقوقی عمومی:

- اتخاذ تصمیمات توسط اشخاص حقیقی
- اصل تخصص: فقط می‌توانند در حیطه صلاحیت خود، اقدام کنند. مثلاً وزارت بهداشت نمی‌تواند در امور وزارت خارجه دخالت کند.
- ↳ دارای هدف معین.
- ↳ دارای منافع معین.
- بکن از نتایج اصل تخصص این است که اشخاص حقوقی عمومی نمی‌توانند جداگانه و موقفاً که دیگران اقدام می‌کنند، دریا نمایند.

حقوق اداری؛ کلیات و ایران | دکتر محمدحانی | جلسه یازدهم | ۹۳، ۹، ۲۴

اموال عمومی اموالی که تابع قوانین حقوق عمومی قرار می‌گیرند.

- ↳ مباحات: اموالی که صاحب ندارند و اشخاص حقوقی نمی‌توانند طبق قواعد موجود آن را تحت تسلک در آورند. مثل معادن، زمین‌های موات، ...
- ↳ مجهول المالك

↳ مسئله کانت عمومی: در مالکیت دولت و مؤسسات عمومی است.

↳ برخی اموال نظیر دریاچه‌ها، جنگل‌ها، نفت و گاز در این دسته قرار نمی‌گیرند. به آن انفال می‌گویند.

اموال عمومی متعلق به عموم ملت است.

احکام اموال عمومی:

- ① استفاده از اختصاری در خدمات عمومی: هیچ کس حق ندارد اموال عمومی را به خود اختصاص دهد. فقط با اجازه قانون، چنین حقی برای افراد ایجاد می‌شود. استفاده از اموال عمومی باید صرفاً در جهت خدمات عمومی باشد.
- ② اموال عمومی غیر قابل خرید و فروش هستند؛ مگر با اجازه قانون. اجازه قانون نیز تابع شرایط خاص است مثل مزایده.
- ③ در مورد اموال عمومی اصل مرور زمان جاری نیست.
- ④ تجاوز به اموال عمومی جرم محسوب می‌شود و مجازات دارد.
- ⑤ اموال عمومی را نمی‌توان به عنوان تأمین اموال توقیف کرد.
- ⑥ دولت و سازمان‌های عمومی از پرداخت هزینه‌های دادرسی، معاف هستند.
- ⑦ پرداخت هزینه‌ها توسط سازمان‌ها دولتی ممنوع است.

اعمال اداری

به طوری که هر عمل حقوقی برای اشخاص ایجاد حق و تکلیف می‌کند.

اعمال حقوقی دولت از نظر شکل
عقد
ایضاح

اعمال حقوقی دولت از نظر هدف
سیاسی
اداری

* در حقوق منابع شکل مهم اند نه منابع ماهوی. لذا اعمال حقوقی دولت از لحاظ بلایی نه بودن یا دو جانبه بودن بررسی می‌شود.

حقوق اداری؛ کلیات و ایران | دکتر محمد خانی | جلسه دوازدهم | ۱، ۱۰، ۹۳
در این جلسه به دلیل کسالت استاد محترم، تدریس نشد.

حقوق اداری؛ کلیات و ایران | دکتر محمد خانی | جلسه سیزدهم | ۸، ۱۰، ۹۳
آثاری در تصمیمات اداری (اعمال اداری)، ایجاد حق و تکلیف می‌کند. برای این منظور شرایط وجود دارد:

- ۱- از سوی مأمور صلاحیت دار صادر شود.
- ۲- تصمیمات، اهلیت قانونی داشته باشد؛ یعنی رضایت و تسلیم وجود داشته باشد.
- ۳- مأمور، در اتخاذ تصمیم خود، تمام مقررات و شرایط موجود در قوانین را رعایت کرده باشد.
- ۴- تصمیم باید کتبی باشد، تاریخ داشته باشد و از امضای مأمور برخوردار باشد.

* چرا چنین که در این تصمیمات ایجاد می‌شود، برای افراد الزام آور است و باید اطاعت کنند.

* در قانون ضمانت اجرائی تصمیمات اداری در نظر گرفته شده است. در برخی قوانین این ضمانت اجرائی، پس بنویس شده است.
 * در حقوق اداری، بحث ایقاعات مطرح است. ایقاع، یک طرفه است. لذا در صورت لزوم و بر حسب اقتضا، تصمیمات اداری قابلیت لغو به صورت یک طرفه دارند.

عواملی که موجب لغو قراردادی اداری میشوند:

- الف) انقضای مدت: برخی قراردادها برای مدتی معین وضع میشوند و پس از گذشت مدت، خود به خود منقذ میشوند.
- ب) تغییر فاحش در زمان ایجاد یک تصمیم.
- ج) نقض قانون سابق توسط قانون لاحق: تا جایی که تصمیم جدید در تعارض با قانون قدیم نباشد، قانون قدیم با رجحان است اما در صورتی که قانون جدید متعارض باشد، قانون قدیم کنار گذاشته میشود.

اقدامات اداری: مقدمات تصمیم اداری است.

اقدامات مادی: مستقیماً ایجاد حق و تکلیف نمیکند. مثل پیشنهادها، بررسیها، ... که نوسینه را بر تصمیم گیری فراهم میکنند.
 اعمال اجرائی: به منظور تحقق بخشدن به تصمیمات اداری انجام میشوند.

* مهم ترین منبع حقوق اداری، آیین نامه ها هستند.

حقوق اداری، کلیات و ایران | دکتر محمدخانی | جلسه چهاردهم | ۹۳/۱۰/۱۵

در این جلسه تدریس نشد و تنها گفتگوهای حاشیای صورت گرفت.